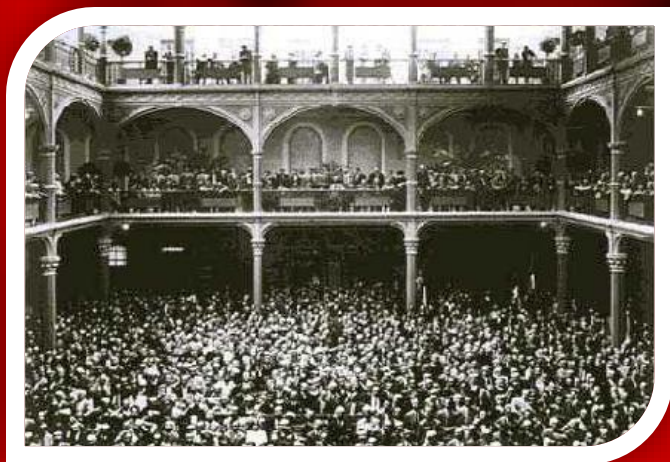


تسخیر کارخانه یا تسخیر قدرت سیاسی؟



صحنه ای از اعتراضات کارگری کارخانه فیات در سال ۱۹۲۰

صدای انترناسیونالیستی

این یک واقعیت انکار ناپذیر است که بحران سرمایه‌داری عواقب خود را در سرمایه‌داری پیرامونی خشن‌تر و زمخت‌تر از سرمایه‌داری متروپل نشان می‌دهد. ارتش میلیونی بیکاران که روزانه هزاران نفر در حال پیوستن به آن هستند، امنیت شغلی را به یک خواست اصلی طبقه کارگر در سرمایه‌داری ورشکسته‌ای چون ایران تبدیل کرده است. بدنبال شکست مبارزات پر شکوه کارگری پائیز ۱۳۹۷ و تدافعی شدن مجدد مبارزات کارگری، شرایط مبارزاتی و مطالبات طبقه کارگر نیز تغییر یافت. مجدداً امنیت شغلی به خواست اصلی و پایه‌ای در کنار دیگر خواست‌ها تبدیل شد.

گرایش‌ات کلام رادیکال چپ سرمایه با مسخ مفاهیم و واژه‌های مارکسیستی، تبیینی سرمایه پسند از حوادث اجتماعی ارائه می‌دهند و با کلام رادیکال خاک در چشم کارگران می‌پاشند. چپ سرمایه تحت عنوان «اشغال کارخانه»، «کنترل کارگری»، «مدیریت کارگری» و... کارگران را ترغیب می‌کند با فداکاری کارخانجات و موسسات ورشکسته را بازسازی کنند، استثمار خودشان را سازماندهی کنند و روند انباشت سرمایه را تضمین کنند. تمام فداکاری‌ها و جانفشانی‌های کارگران برای سرمایه نیز، دفاع جمعی کارگران از موقعیت شغلی و مقابله با سناریوی بیکاری و فلاکت اقتصادی توصیف می‌شوند. ما قبلاً طی مقاله ای تحت عنوان «مدیریت کارگری یعنی سازماندهی استثمار کارگران» [۱] نشان

دادیم زمانی که دولت سرمایه حاکم است مدیریت کارگری، سد محکمی است در رسیدن کارگران به هویت طبقاتی خود.

جدال کمونیست‌ها با دیگر گرایش‌ها در این زمینه قدمتی بیش از صد ساله دارد. زمانی که بدنال انقلاب اکتبر و در جریان موج انقلاب جهانی، اعتراضات کارگری در ایتالیا به شکل گسترده‌ای شکل گرفت، جدال بر سر تسخیر کارخانه یا تسخیر قدرت سیاسی نیز بالا گرفت. گرامشی از قهرمانان جنبش «تسخیر کارخانه» و بوردیگا از تئوریسین‌های «تسخیر قدرت سیاسی» بود.

گرامشی این شخصیت افسانه‌ای چپ، در جریان جنگ امپریالیستی اول در سال ۱۹۱۴ در جناح راست حزب سوسیالیست ایتالیا (PSI) قرار گرفت تا صلح طلب (پاسفیسست) باقی بماند و از موضعی که انقلابیون آن زمان اتخاذ کرده بودند، «شکست طلبی انقلابی» دوری کرد. در جریان انقلاب جهانی و بدنال پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه موجی از مبارزات کارگری در ایتالیا در سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۹ و به شکل اشغال کارخانه‌ها و ظهور شوراهای کارگری به ویژه در تورین سر گرفت. گرامشی و گروه او (نظم نوین) در کنار حزب سوسیالیست ایتالیا (PSI) به طرح تئوری به نام شوراکرایبی خودمدیریتی پرداخت تا پرولتاریا را از رویارویی با دولت بورژوازی منحرف کرده و در نتیجه آن را به سمت شکست سوق دهد.

در چنین زمینه‌ایی بود که بوردیگا یکی از چهره‌های تئوریک کمونیست چپ در اوج مبارزات کارگری در سال ۱۹۲۰ مقاله «تسخیر قدرت یا تسخیر کارخانه» را در پاسخ به گرامشی و نظم نوینی‌ها انتشار داد. بوردیگا تاکید کرد، مادامیکه نظام سرمایه داری حاکم است، مادامیکه قدرت دوگانه حاکم نیست، «اشغال کارخانه»، «کنترل کارگری» تنها در راستای تضعیف مبارزه طبقاتی برای کسب قدرت سیاسی است. بوردیگا تاکید می‌کرد، زمانی که طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی قدرت سیاسی را کسب کرد، کارخانه نه فقط توسط نیروی کاری که در آن کارخانه کار می‌کند بلکه توسط طبقه کارگر تسخیر خواهد شد. تنها زمانی که قدرت سیاسی در دست طبقه کارگر است کنترل کارخانه می‌تواند حرکتی انقلابی و در راستای سوسیالیسم باشد، زمانیکه سرمایه داری حاکم است، کنترل کارخانه و بدست گرفتن امور داخلی کارخانه در راستای حفظ نظام سرمایه داری و بردگی مزدی است.

«اشغال کارخانه»، «کنترل کارگری» زمانیکه سرمایه داری نظام حاکم است و قدرت دوگانه حاکم نیست تنها در راستای توهم پراکنی، ایجاد سردرگمی در مبارزه ضد سرمایه‌داری، مخدوش کردن مبارزه طبقاتی و بخشی از طبقه کارگر را همدست بورژوازی ساختن است. شکست در اشغال کارخانه‌ها در ماه سپتامبر ۱۹۲۰ در ایتالیا ضربه شدیدی به نظریه‌های "مدیریت اقتصادی" و "کنترل

کارگران" گرامشی وارد کرد. دولت جولیتی، با مانوری کاملاً ماهرانه، اجازه داده بود که اعتصاب در تورین محو شود و کنترل کارگران در کارخانه ها را مقرر کرد.

در راستای شفافیت در درون جنبش کارگری مبادرت به ترجمه مقاله بوردیگا «تسخیر کارخانه یا تسخیر قدرت سیاسی» کرده ایم که امیدواریم بخصوص در مقابل توهم آفرینی های چپ سرمایه گامی در راستای تقویت مواضع سیاسی پرولتری باشد.

صدای انترناسیونالیستی

اردیبهشت ۱۴۰۰

یادداشت:

[۱] مقاله «مدیریت کارگری یعنی سازماندهی استثمار کارگران» را میتوان از سایت صدای انترناسیونالیستی دانلود کرد.

تسخیر قدرت یا تسخیر کارخانه؟

آمادئو بوردیگا ۱۹۲۰

در چند روز گذشته با تعرضات طبقه کارگر در لیگوریا مواجه بودیم، که نمونه دیگری از اتفاقاتی است که به دفعات تکرار شده است. این امر به عنوان نشانه‌ای از سطح جدیدی از آگاهی در بین توده کارگران، شایسته بررسی است. کارگران به جای اینکه کارشان را رها کنند، مجبور شده‌اند کارخانه‌های خود را تسخیر کنند و به دنبال بهره‌برداری از آنها برای منافع خود یا دقیق‌تر [گفته باشیم] بدون حضور مدیران ارشد، در کارخانه هستند. مهمتر از همه، این نشان می‌دهد کارگران کاملاً آگاه هستند که اعتصاب سلاحی است که دیگر، بویژه تحت شرایط بخصوصی، دیگر پاسخ نمی‌دهد.

اعتصاب اقتصادی، با کاهش تولید که متعلق به کارگران است، از طریق آسیب فوری که به خود کارگر تحمیل می‌کند، سودمندی خود را به عنوان سلاحی دفاعی برای کارگر از خساراتی که توقف کار به کارخانه‌دار وارد می‌کند، حاصل می‌شود.

این وضعیت، در شرایط عادی اقتصاد سرمایه‌داری است، زمانی که رقابت با سقوط نسبی قیمت‌ها باعث افزایش مداوم تولید است. امروزه سود صنعت، به ویژه صنعت متالوژی، که در یک دوره استثنایی در حال ظهور هستند، جایکه کارخانه‌داران با حداقل تلاش توانستند سودهای کلانی را کسب کنند. در طول جنگ [جهانی اول]، دولت مواد اولیه و زغال سنگ کارخانه‌داران را تأمین می‌کرد و در عین حال، به عنوان تنها خریدار قابل اعتماد عمل می‌کرد. بعلاوه، دولت با نظامی‌گری خود در کارخانه‌ها، خود را متعهد کرد که نظم و انضباط سختی را بر توده‌های کارگر تحمیل کند. چه شرایط مساعدتری برای سود هنگفت می‌تواند وجود داشته باشد؟ اما اکنون این افراد بخاطر بی‌ثباتی بازار و تجمع اعتراضی توده‌های کارگری دیگر قادر به کنار آمدن با تمام مشکلات ناشی از کمبود زغال سنگ و مواد اولیه نیستند. به طور خاص، آنها تمایل ندارند سود ناچیزی را که تقریباً یکسان یا شاید کمی پایین‌تر از سطح قبل از جنگ باشد را تحمل کنند.

به همین دلیل است که آنها نگران اعتصاب نیستند بلکه بر عکس از اعتصاب بخوبی استقبال می‌کنند، حتی اگر در حرف به ادعاهای نامعقول و سیری ناپذیری کارگران اعتراض داشته باشند.

کارگران این موضوع را درک کرده‌اند و با اقدام خود در تصرف کارخانه و ادامه کار به جای اعتصاب، به صراحت می‌گویند که نه اینکه آنها تمایلی به کار

ندارند، بلکه آنها تمایلی به کار کردن به شیوه‌ای نیستند که رؤسا به آنها می‌گویند. آنها دیگر نمی‌خواهند مورد استثمار قرار بگیرند و به نفع رئیسان کار کنند. آنها می‌خواهند برای منافع خود، یعنی فقط در جهت منافع نیروی کار، کار کنند. این آگاهی جدید که هر روز با وضوح بیشتری ظهور می‌کند، باید در بالاترین درجه حفظ شود. با این حال، ما نمی‌خواهیم آن را با توهّمات بیهوده به بیراهه بکشیم.

گفته شده است که شوراهای کارخانه، در آنجا که وجود داشتند، با به دست گرفتن مدیریت کارگاه‌ها و ادامه کار، فعالیت می‌کردند. ما دوست نداریم توده‌های کارگر این ایده را بدست آورند که با توسعه نهاد شوراهای مسلمانا میتوان کارخانه‌ها را تسخیر کرد و از شر سرمایه‌داران خلاص شد. این واقعاً یک توهم خطرناک است. کارخانه توسط طبقه کارگر فتح خواهد شد تنها پس از آنکه طبقه کارگر در کلیت خود قدرت سیاسی را به دست گرفت و تسخیر کارخانه تنها توسط نیروی کار شاغل در کارخانه که جمع کوچک و بسیار ضعیفی هست، غیر کمونیستی خواهد بود. تا زمانی که چنین کاری نکرده باشد [قدرت دولتی را تسخیر نکرده]، گارد سلطنتی، پلیس نظامی و غیره - به عبارت دیگر، ماشین سرکوب و ستمگری که بورژوازی در اختیار دارد، دستگاه قدرت سیاسی بورژوازی، اطمینان حاصل خواهد کرد که همه توهّمات از بین می‌رود.

بهتر است این ماجراهای بی پایان و بی فایده که هر روزه توده‌های کارگر را خسته می‌کند، همه در یک خیزش بزرگ که مستقیماً قلب بورژوازی دشمن را جهت‌گیری کرده، کانالیزه، ادغام و سازماندهی شود.

تنها یک حزب کمونیست باید و قادر به انجام چنین اقدامی است. در این زمان، چنین حزبی نباید وظیفه دیگری غیر از هدایت همه فعالیت‌های خود در جهت آگاه ساختن هرچه بیشتر توده‌های کارگر از ضرورت این حمله بزرگ سیاسی داشته باشد. این است تنها مسیر کم و بیش مستقیم برای تسخیر کارخانه، اگر مسیر دیگری طی شود ممکن است به هیچ وجه به دست آنها نیفتد.

منبع متن به انگلیسی:

<https://www.marxists.org/archive/bordiga/works/1920/seize-power.htm>

آدرسهای صدای انترناسیونالیستی:

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

تویتر:

https://twitter.com/int_voice